

قطعه‌نامه دومین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس (ایرانی، افغانستانی) در مورد موقعیت جنبش زنان افغانستانی

سیاه‌ترین دوره تاریخی و جناب‌بارترین دوران، جنگ ۲۳ در کشور محبوب ما افغانستان است. که در برابر چشمان حیرت‌زده مردم جهان قرار گرفته و نشان‌دهنده برنامه‌های آزمندانه رهبران مرتجع و خودفروش می‌باشد. این نوکر منشان با زد و بندهایشان با امپریالیسم جهانی و مستقیماً با دولت پاکستان که بعنوان همکار و همسایه رل بازی می‌کند، پیامد این دسیسه‌ها، نیرنگ و فریبکاری از سالیان دراز بدین سو گام به گام به روی صحنه آورده و سبب ویرانی افغانستان و خانه‌خرابی میلیونها توده افغانستانی گردیده است.

ماهیت تیره این جاهلان ضد علم و ویرانگر چه در افغانستان و چه در تمام نقاط جهان افشا و هیچ شک و تردیدی برای انسان با شعور باقی نمانده است. امپریالیسم آمریکا با برنامه‌گذاری وسیع در اول احزاب اسلامی هفت‌گانه را متشکل و سازمان داد و بعداً برای بهتر شدن منافع خودش گروه‌جانی‌تکار را به اسم طالبان و به همکاری دولت پاکستان و سازمان جاسوسی اش (آی اس آی) ظهور نامیوم این جانان وحشی را آماده کردند، و با ملیشه‌های پاکستانی، عربی و جنرال‌های نظامی و اشغال‌ساحات وسیعی از خاک افغانستان نائل آمده، از نخستین گام‌ها تا الحال چنان با وحشت افکنی پرداخته‌اند که روی جانی‌تکاران دیگر تاریخ را شسته‌اند.

تصفیه‌های نژادی مردم از یک شهر به یک شهر، تعصبات مذهبی، قومی و زبانی که سبب تفرقه و به آتش کشیدن‌های خانه‌ها، اکشترارها و تجاوز به زنان و دختران، عامل همه این جنایات به اسم طالبان و احزاب اسلامی قدرت طلب می‌باشند که مردم بی دفاع، گرسنه و بی‌خانمان را مجبور ساختند تا پناهنده ممالک دیگر و یا راهی سر مرزها بشوند. با وجود این همه ستم، زندانی ساختن، توهین، تحقیر زنان به هر نحو آن، لت و کوب زنان بخاطر نداشتن حجاب و محرم، سنگسار و پایمال کردن تمام ارزشها و حیثیت انسانی از جمله زنان و هم‌چنان ضدیت با تمام مظاهر تمدن و فرهنگ از جمله بستن درهای مکاتب دخترانه، پوهنتون و محروم کردن زنان از حق زندگی طبیعی و آزادی شان یعنی حق کار، تحصیل و مدرسه رفتن را گرفته و به انهدام تمام میراث‌های تاریخی از جمله موزیم‌ها، آثار هنری و باستانی پرداخته از جمله افتخارات جنگی شان قلمداد می‌کنند.

در این روند خانمانسوز باید گفت: ستم بر زنان جزئی از مناسبات حاکم بر جامعه بوده و تمام گروهها و احزاب مرتجع به شمول طالبان از آن دفاع می‌کنند. این شوونیسم مردسالار و پدرسالار و اعمال ستم بر زن یکی از پایه‌های اصلی جامعه فئودالی و قبیله‌ای می‌باشد، فلذا مبارزه علیه این ستم جنسی نمی‌تواند از ستم طبقاتی و ملی جدا باشد. پس هر نیروی سیاسی که خواهان تحولات اساسی در جامعه است، علاوه بر ستم طبقات و ملی باید برای رفع ستم جنسی نیز مبارزه کند، زیرا ما نمی‌توانیم علیه طالبان مبارزه ولی نسبت به قوانین ضد زن آنها بی تفاوت باشیم. ما باید با چنین قوانین شوونیستی مبارزه و حافظین مرتجع این اعمال ستمگرانه را افشا نماییم.

در این راستا باید یادآوری کرد که موقعیت جنبش زنان افغانستان با جنبش زنان ایران تفاوت جدی در روند مبارزاتی خود دارد. و همچنان زنان مهاجر و پناهنده افغانستانی در ایران گرچه در مناسبات اجتماعی اقتصادی جامعه ایران ادغام شده‌اند و بخشی از جنبش زنان در ایران بشمار می‌روند. اما هنوز موقعیتشان بلحاظ سیاسی اجتماعی حقوقی، با زنان سایر ملل در ایران متفاوت است.

یکی از مشکلات جنبش زنان افغانستان علی‌رغم مقاومت در هر گوشه و کنار جهان هنوز در سطحی ابتدائی و جنینی بلحاظ سازمانی قرار دارد. فشار مبارزه ملی در عین اینکه موجب تقویت روحیه مبارزاتی کلیه جامعه افغانی شده، اما بطور غیر مستقیم موجب تضعیف جنبش زنان افغانستان تحت لوای مسئله ملی گردیده است. برعلاوه، جنبش زنان افغانستانی علی‌رغم ظرفیت‌هایش کماکان از پراکندگی، خرده کاری و محدود نگری و سیاست بازی‌های سطحی رنج می‌برد. نبود دورنما و آگاهی انقلابی، تأثیرات منفی در مبارزات داخل و خارج زنان ناگزیراً پذیراست.

همواره جنبش زنان افغانستانی کناری بوده، و از این زاویه جوان می‌باشد. زیرا قوانین عقب‌گرا و زن‌ستیز، جنبش زنان را ضربه زده و اکثراً به نابودی کشانده است. و در این دو دهه اخیر اصلاً نصف نفوس جامعه را زیر سؤال برده‌اند. اینان ستم جنسی را به رسمیت نشناخته، با آزادی زن و حقوق برابر با مردان اهمیت قائل نیستند، و مغایر «غیرت و ناموس داری افغانی» دانسته ترویج فحشا می‌دانند. برخی، جنبش زنان را روبنائی دانسته فقط مسئله مدرسه رفتن و فعالیت‌های فرهنگی را طرح و به کار سیاسی علاقه‌ای جدی ندارند و مسئله کسب حقوق زنان را تحت عنوان «خواسته‌های اسلامی» و رابطه نیمه فئودالی و نیمه استعماری دیده و تمام آزادی‌ها را منوط به مدافعان امپریالیستی می‌نمایند. و هم‌چنان راه حل‌های رفرمیستی، سد راه مبارزه رادیکال خصوصاً در جنبش زنان افغانستانی می‌گردد.

ناسیونالیسم تنگ‌نظرانه عقب‌گرای افغانی و شوونیسم ایرانی نیز مرزهای جدائی را بین ما زنان تقویت کرده، مشکلات را برای وحدت و مبارزه بار آورده‌اند. ولی با وجود همه مشکلات و موانع، مقاومت برخی از زنان انقلابی در مقابل سنت‌های

عقب مانده و مردسالارانه جوانه زده و برای تبلیغ و ترویج آن به مبارزه پیگیر متوسل می باشیم. و برای رفع مشکلات عظیم، ما زنان آگاهانه دست به نقشه، برنامه ریزی و سازماندهی زده، با تمام سنگ اندازهای گوناگون دست اندرکار مبارزاتی می باشند. چون وظیفه ما زنان است که با هیچ شکل و اشکال زن ستیزی سر سازش نداشته و بدانیم که تنها مبارزه ملی شکل کامل مبارزه نبوده بلکه مبارزه جنسی، طبقاتی و ملی با هم گره خورده است. ما زنان باید قاطعانه در کنار مبارزه ملی برای رهایی از ستم سه گانه مبارزه نمائیم و مبارزه حاشیه ای و کناری را عقب زده، در مبارزه ای سالم و رو در رو پیش رویم و نگذاریم مبارزات ما علیه ستم جنسی در حاشیه قرار گیرد و مبارزه فعال و پیگیری را علیه طالبان به پیش ببریم.

پروپاگنده‌های و دلایل عریان طالبان و احزاب اسلامی را خنثی کرده از خواسته های به حق خود دفاع نموده از حالت بی تفاوتی، حساسیت سیاسی و مبارزاتی را روی دست گیریم. چون در سطح سیاسی ما زنان افغانستان متأسفانه عقب نگاه داشته شده ایم، باید از تجربه زنان ایرانی در رابطه با جنبش متشکل و مستقل زنان، تجربه سالهای انقلاب و تجربه مبارزاتی شان سر مسئله زن در سازمان های مختلف سیاسی و زندان و مقاومت شان در چندین سال و سایر تجارب جنبش های جهانی رهایی زن را مورد استفاده قرار بدهیم.

زبان مشترک، فرهنگ مشترک و ستم مشترک ناگزیرا سرنوشت ما زنان ایرانی و افغانستانی را رقم زده و برای خواست رهایی از هرگونه ستم، بخصوص ستم جنسی مبارزه نموده، به یک وحدت نسبی و همکاری متقابل و از تجربه های یکدیگر بیاموزیم تا بتوانیم ما زنان خارج کشور، مبارزه زنان داخل کشور را تقویت نموده، یاری نمائیم. زنان انقلابی و آگاه در خارج کشور، پتانسیل، توانائی و امکان این را دارند تا نه فقط صدای مبارزات زنان داخل را گویا باشند، بلکه برای هدفمندی بیشتر برای بیداری، رشد جنبش زنان و وحدت آن مایه بگذاریم. تا بتوانیم مبارزات زنان ایرانی و افغانستانی داخل کشور را با عظمت هرچه بیشتر یاری رسانیم.

در این راستا خواسته های ما زنان افغانستانی را مطرح نموده و با جدیت اعلام می داریم:

- ۱- **جدائی دین از دولت**
 - ۲- **اخراج تمام قوای نظامی، جنرالهای پاکستانی و عرب و سایر مرتجعین منطقه (جمهوری اسلامی و....) بدون قید و شرط خاک افغانستان را ترک بگویند.**
 - ۳- **لغو هرگونه تبعیض جنسی علیه زنان در حیطه های اقتصاد، حقوق، اجتماع، فرهنگی و آموزشی، بهداشت.**
 - ۴- **مداخله مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم آمریکا در مسائل افغانستان محکوم است.**
 - ۵- **قتل و کشتار مردم توسط طالبان و سایر گروههای مرتجع که زنان نیز شامل آن می باشد، فوراً متوقف گردد.**
 - ۶- **لغو حجاب اجباری و سایر مجازات های اسلامی بویژه سنگسار**
 - ۷- **اخراج پناهندگان افغانستانی از ایران و پاکستان که با هزار مشقت زندگی را بسر می برند در چنین شرایط ناگوار غیر انسانی بوده، باید متوقف شود.**
 - ۸- **تجاوز، خرید و فروش زنان بیوه و دختران جوان در داخل و خارج ممنوع اعلام گردد.**
- از تمام انسان های مبارز و انسان دوست و موسسات بشر دوست غیر وابسته به امپریالیسم، خواهان همکاری در این مبارز بوده و برای جمع آوری کمک مالی دستشان را می فشاریم.
- دوستان عزیز و زنان مبارز!**
- مبارزه تان پیروز باد!**
- با آرزوی موفقیت هر چه بیشتر شما در مبارزه پیگیر، متحد، متشکل، منسجم!**
- به پیش برای آزادی زنان سراسر جهان!**